

نبرد کار خداوند است

عیسی از طرف ما برای زندگی ما جنگید و با مرگ خود بر روی صلیب در این نبرد پیروز شد و پدر این پیروزی را تأیید کرد و از طریق رستاخیز مؤثر ساخت

اگر خود را در دستان او قرار داده باشیم، در زندگی همیشه طرف پیروز هستیم. و او به نبردهای زندگی ما ادامه خواهد داد و از ما حمایت خواهد کرد. زیرا البته این درست است که ما هنوز در زندگی خود نبردهایی برای جنگیدن داریم. اما خدای زنده، عیسی برخاسته، کنار ما را ترک نخواهد کرد.

ما دشمنی داریم که ما را دوست ندارد و در واقع از ما متنفر است، زیرا ما دلیل شکست، خلع سلاح و محکومیت او توسط عیسی بر روی صلیب هستیم. اگر ما انسانها نبودیم که در مرکز محبت خدا قرار داریم، عیسی اصلاً نمی آمد. - پس کینه دشمن نباید ما را غافلگیر کند. ما برای هر چیزی که او از آن متنفر است ایستاده ایم. - و مهمتر از همه، نابودی و شرمندگی او را یادآوری می کنیم. وقتی در عیسی هستید، او دیگر چیزی روی شما ندارد. تمام اسلحه ها از دستش بیرون زده اند!

او دیگر نمی تواند ما را بترساند و به ما توهم قدرت بدهد، یعنی دروغ بگوید. از طریق بلای مرگ، او مردان را اسیر ترس کرده بود. اما این بلا نیز توسط عیسی از طریق رستاخیز او از دست او خارج شد. - عبرانیان 2: 14 - "چون ما فرزندان گوشت و خون هستیم، او نیز به همین طریق شریک شد تا با مرگ خود او را که قدرت مرگ دارد، یعنی شیطان را نابود کند"

مرگ دیگر بر ما قدرتی ندارد. ما برای همیشه زندگی خواهیم کرد. همانطور که پولس می گوید: اول قرنتیان 54: 15-55 - "مرگ در پیروزی بلعیده می شود. ای مرگ نیش تو کجاست؟ جهنم، « پیروزی تو کجاست؟

با این حال ما دائماً درگیر جنگ معنوی هستیم. اما ما هم تحت حفاظت هستیم و بی دفاع نیستیم. نه، برعکس - می توانیم بگوییم که محکوم به پیروزی هستیم. - دوم قرنتیان 2: 14 - "اما خدا را شکر که همیشه ما را در مسیح پیروز می کند"

پولس می گوید که ما باید با نبرد خوب ایمان در درگیری های روزانه مبارزه کنیم. - پولس این را برای تیموتائوس جوان، که او را به عنوان یک پدر روحانی و مربی پذیرفته است، در ابتدای زندگی ایمانی خود روشن می کند: اول تیموتائوس 1: 18 - «این فرمان را به تو می سپارم، فرزندانم. تیموتائوس، طبق پیشگویی های قبلی در مورد تو، تا بتوانی از طریق آنها به مبارزه نیک بپردازی.» - تیموتائوس در زندگی خود وعده های مختلفی از خدا دریافت کرد، درست مانند ما. - اینها می تواند به صورت نبوی گفته شده باشد یا از طریق کلام خدا به عنوان یک وعده یا قول شخصی (به عنوان یک رم) به ما برسد

این وعده های خداوند (حقیقت کلام او به ما) باید ایمان ما را تقویت کند - و به آن پایبند باشیم - تا در نبردهای زندگی خود تسلیم نشویم، بلکه بر آنها غلبه کنیم - همیشه

این نبرد ایمان - رویارویی روزانه با طبیعت قدیمی ما، وسوسه جسم و دنیا و حملات روحی دشمن - نبردی است که در آن همیشه می توانیم پیروز باشیم و اگر به عیسی چنگ بزنیم. اندکی بعد پولس به تیموتائوس می گوید: اول تیموتائوس 6: 12 - «با مبارزه نیک ایمان بجنگید. زندگی جاودانی را که به آن فراخوانده شده اید و در حضور شاهدان بسیاری به اعتراف نیکو اعتراف کرده اید، بگیریید!» - پس بیایید با آرامش در زندگی روزمره و بدون ترس با این مبارزات روبرو شویم. بیایید با دشمن روبرو شویم که بدانیم او قبلاً شکست خورده است و بدانیم که تمام قدرت بهشت در کنار ماست

بیاید با این نبردها روبرو شویم همانطور که داوود با جالوت روبرو شد. - ما مجبور نیستیم مشکلات زندگیمان را انکار کنیم، مجبور نیستیم وانمود کنیم که آنها نیستند. نه، این کاملاً غیر واقعی خواهد بود و کاملاً مفید نیست. بیاید با ایمان به آنها نزدیک شویم و با حقیقت کلام خدا با آنها ملاقات کنیم. ما می توانیم بدانیم که خدا مبارزات ما را از آن خود می کند و بنابراین ما در همه چیز پیروز خواهیم شد - زیرا ما فرزندان او هستیم. برخاسته در کنار شماست! وقتی ایسی بر روی صلیب مرد، دشمن فکر کرد که او پیروز شده است، اما دقیقاً برعکس بود!

در مکاشفه درباره عیسی می خوانیم: مکاشفه 5: 5 - «و یکی از بزرگان به من گفت: گریه مکن. اینک شیر قبیله یهودا، ریشه داوود، غلبه کرده است...» - و دقیقاً همینطور است! عیسی بر عیسی غلبه کرده است و ما نیز در عیسی غلبه می کنیم، در هر زمان. ما در پیروزی او ایستاده ایم، با او، در او، در صفوف پیروزی هدایت می شویم.

رومیان 8: 37 - "اما در همه این چیزها به واسطه کسی که ما را محبت کرد بسیار پیروز می شویم." - آنچه پولس در اینجا می گوید این است: ما را نمی توان شکست داد یا ساکت کرد. ایمان ما به عیسی، در کار او بر روی صلیب و کلام او، پیروزی است که قبلاً بر جهان و دشمن غلبه کرده است. حتی اگر بمیریم، دشمن بر ما چیره نمی شود! اول یوحنا 5: 4 - "زیرا هر آنچه از خدا زاده شده است بر جهان غلبه می کند. و ایمان ما پیروزی است که بر جهان چیره شده است."

پس بیاید با آرامش، شجاعانه و با ایمان با دشمن مقابله کنیم. بیاید به آن پشت نکنیم و وانمود کنیم که مشکل وجود ندارد - زیرا اینگونه نمی توانیم بر آن غلبه کنیم. - بله، ممکن است الان مشکل داشته باشیم. بله ممکنه الان مریض باشم بله، ممکن است در حال حاضر در شرایط کمبود باشم. بله، ممکن است احساس ضعف و ناتوانی کنم، حتی ممکن است بتراسم - اما با آن غلبه نخواهم کرد. - عیسی مبارزه من را رهبری می کند و من پیروز خواهم شد.

پادشاه آینده دیوید چگونه این کار را انجام داد؟ - او با جالوت روبرو شد، او را نادیده نگرفت. او با ایمان با او روبرو شد زیرا می دانست خدا در کنار اوست و از این نبرد پیروز بیرون می آید. - نگرش او چگونه بود که در آن غلبه کرد؟

اول سموئیل 17: 45-51 - "و داوود به فلسطینی گفت: "تو با شمشیر و نیزه و نیزه نزد من بیا، اما من به نام یهوه صباوت، خدای لشکر اسرائیل، نزد تو می آیم. که او را مسخره کرده ای (زبعث - خداوند صباوت - داوود می دانست که لشکری از فرشتگان پشت سر او هستند) امروز خداوند تو را به دست من خواهد سپرد و تو را می کشم و سرت را می برم و بدن تو و اجساد را می دهم. امروز لشکر فلسطینیان پرندگان آسمان و حیوانات وحشی زمین هستند تا همه جهان بدانند که اسرائیل خدای واحدی دارد و همه این جماعت بدانند که خداوند با شمشیر و نیزه کمک نمی کند. زیرا جنگ از آن خداوند است (اسلحه و ابزار روحانی خدا طبیعی نیست) و او شما را به دست ما خواهد داد. هنگامی که فلسطینی برخاست و به نزدیکی داوود رسید، داوود به سرعت از خط نبرد به دیدار فلسطینی فرار کرد. و داوود دست خود را در کیسه چوپان گذاشت و سنگی از آن برداشت و آن را پرتاب کرد و بر پیشانی فلسطینی زد و سنگ پیشانی او را سوراخ کرد و او با صورت به زمین افتاد. پس داوود با تسمه و سنگ بر فلسطینی غلبه کرد و او را زد و او را کشت. اما داوود شمشیری در دست نداشت. پس دوید و نزد فلسطینی رفت و شمشیر او را گرفت و از غلاف بیرون آورد و او را به کلی کشت و سرش را با آن برید. اما وقتی فلسطینی ها دیدند که قوی ترین آنها مرده است، فرار کردند." - همانطور که می دانیم، داوود 5 سنگ داشت، اما حدس بزنید چیست؟ او فقط به یکی نیاز داشت زیرا فرشته ای او را تا خط پایان راهنمایی کرد

مارتین لوتر در آهنگ "قلعه قدرتمند خدای ماست" می نویسد: "و اگر جهان پر از شیاطین بود و می خواستند ما را ببلعند، ما اینقدر نمی ترسیدیم، باید موفق شویم. شاهزاده این دنیا هر چقدر هم خودش را عصبانی کند به ما آسیبی نمی رساند. این بدان معنی است که او مورد قضاوت قرار می گیرد: یک کلمه کوچک ممکن است به او برسد.

خداوند کلماتی را برای مبارزه به ما می دهد، او قول خود را در قلب ما به ما می دهد و قدرتمندترین کلمه از همه: نام "عیسی" است. او به ما نشان می دهد که چه دعایی کنیم، چه چیزی را باور کنیم و چگونه رفتار کنیم. اگر با او زندگی کنیم، همه این چیزها به ما داده خواهد شد. - جنگ ایمان است و فاجعه نیست، حتی اگر گاهی از ما چیزی بخواهد

سومین باری که پولس این «مبارزه خوب» را برای تیموتائوس ذکر می کند، در نامه دوم است. و در آنجا پولس خود را به عنوان نمونه و الگو معرفی می کند: دوم تیموتائوس 4: 7 - "من جنگ نیکو کرده ام، مسابقه را تمام کرده ام، ایمان را حفظ کرده ام." - به آنچه خدا به من داده است، پایبند بوده ام و ایمان را حفظ کرد - من از حقیقت و اعتقادات خود عدول نکرده ام و اموری را که خداوند به من سپرده و به من عطا کرده است، به خوبی و عاقلانه اداره کرده ام

و این چیزی است که این نبرد روزانه تمام می شود. دشمن می خواهد ما را ساکت کند و می خواهد ما را دلسرد کند. ما نباید این اجازه را بدهیم. مبارزه خوب برای حفظ ایمان و ماندن در میدان، عدم انحراف از حقیقت و عقب نشینی نکردن در زیر فشار است

پولس این را در افسسیان 6: 13 توضیح می دهد - "پس تمام اسلحه خدا را بردارید تا بتوانید در روز بد مقاومت کنید و وقتی همه چیز را انجام دادید بایستید (صحرا را نگه دارید)" - ما هستیم از حقیقت غافل نباشید، آن را از بین ببرید. با ایمان مقاومت کنید، به کارهایی که به ما وحی شده است و برای آن ایستاده ایم و میدان را حفظ می کنیم، ادامه دهید، ثابت بمانید و یک اینچ عقب ننشینید. اگر کسی باید برود، آن دشمن است و نه ما: یعقوب 4: 7 - «اما در برابر شیطان مقاومت کنید. و او از تو خواهد گریخت»

و ما همه اینها را با ایمان، با چنگ زدن به حقیقت، با اعلام کلام، با عمل شجاعانه، با ستایش و شکرگزاری، و با قرار دادن مدام دشمن در جای خود و یادآوری جایگاه او انجام می دهیم. - "نبرد واقعی کار خداوند است!" - دیوید قبلاً این را فهمیده بود

وقتی یهوشافاط پادشاه خود را با تعداد زیادی از دشمنان دید، خداوند را طلبد و به دعا رفت و پرسید که چه باید بکند؟ - و خدا گفت: 2 تواریخ 20: 15-17 - «و گفت: ای جمیع یهودا و شما ساکنان اورشلیم و ای یوشافاط پادشاه توجه کنید! این همان چیزی است که خداوند به شما می گوید: از این جماعت عظیم نترسید و مایوس نشوید. زیرا نبرد از آن تو نیست، بلکه از آن خداست!» (همانطور که با داوود انجام شد. به همین دلیل است که نبرد ایمان خوب است. این جنگ حمله نیست، بلکه مبارزه مقاومت است. خداوند زمانی حمله را آغاز می کند که ما ساکن باشیم. ایمان داشته باشید و میدان را حفظ کنید.) «فردا علیه آنها فرود می آید. اینک آنها از تپه زیر بالا می آیند و آنها را در دهانه دره در مقابل بیابان اورشلیم خواهید یافت. این شما نیستید که باید بجنگید. ای یهودا و اورشلیم، بیایید، بایستید و نجات خداوند را برای خود ببینید. تترس و ناامید نشو! فردا به استقبال آنها برو و خداوند با تو خواهد بود»

آنها باید با دشمن روبرو می شدند، اما خداوند جنگید. به او اعتماد کردند، او را ستودند و محکم ایستادند. بیایید ببینیم چه اتفاقی افتاد: دوم تواریخ 20: 20-22 - "و صبح زود برخاستند و به بیابان تکوا رفتند. و چون بیرون می رفتند، یهوشافاط ایستاد و گفت: «ای یهودا، و ای ساکنان اورشلیم، به من بشنو. به یهوه خدای خود ایمان بیاورید و صبر خواهید کرد! به پیامبران او ایمان بیاورید و موفق خواهید شد! و با مردم مشورت کرد و برای خداوند آواز خوانان گماشت، و سرودهایی با زینت مقدس سرودند و به حضور مسلحان بیرون آمدند و گفتند: خداوند را متبارک کن زیرا رحمت او تا ابدالایاد است. و در آن زمان که شروع به فریاد زدن و حمد خواندن کردند، خداوند بر بنی عمون و موآب و کوه سعیر که بر یهودا آمده بودند کمین کرد. و آنها شکست خوردند.» - آنها ایستادند، به قول خود چسبیدند، به کلام ایمان آوردند و خدا را حمد و ستایش کردند. (این یکی از راههایی است که می توانی آن را انجام دهی، راهی برای اعلام. قلب را محکم می کند). - و خدا پس از آن کاری را انجام داد که آنها نتوانستند انجام دهند. این است که چگونه "مبارزه حسنه ایمان" کار می کند

همیشه باید بدانیم که در طرف ما بیشتر از طرف دشمن است. و پس از آن می توانیم حتی در بدترین شرایط کاملاً آرام باشیم. وقتی ایمان می آوریم و دعا می کنیم، بهشت حرکت می کند و لشکر فرشتگان بیرون می روند

سرانجام حادثه ای از زندگی پیامبر گرامی الیشع از دوم پادشاهان. 6. پادشاه آرام بار دیگر اسرائیل را محاصره کرده بود و نیروهای کمکی از مردم دیگر با خود آورده بود. الیشع نبی با خادم خود در شهر بود و صبح زود به دیوار شهر بالا رفتند و دشمنانی را دیدند که در شب در آنجا جمع شده بودند: دوم پادشاهان 6: 15-17 - "و چون خادم آن مرد وقتی خدا بود. زود برخاست و بیرون رفت، اینک لشکری با اسب و ارابه شهر را احاطه کرده است. و غلامش به او گفت: ای سرورم! چه کار باید بکنیم؟ اما گفت: نترس! زیرا تعداد کسانی که با ما هستند از کسانی که با آنها هستند بیشتر است. و الیشع دعا کرد و گفت: ای خداوند چشمان او را باز کن تا ببیند. سپس خداوند چشمان بنده را باز کرد و او دید. و اینک کوه در اطراف الیشع پر از اسب و «ارابه های آتشین بود

سپس خداوند به روش خود به موضوع پرداخت. او جنگید. نکته زیبا این است که الیشع در این موقعیت کاملاً آرام بود، زیرا به روح نگاه کرد و متوجه شد که خدا قبلاً لشکر فرشتگان خود را در موقعیت قرار داده است. - قرار بود مردم فقط جایگاه را حفظ کنند (ایستادن، میدان را حفظ کنند) و خدا بعد راهبرد داد

اجازه ندهید دشمن شما را بترساند. نترس! زیرا تعداد کسانی که با ما هستند از کسانی که با آنها هستند بیشتر است. این یک حقیقت معنوی است

پولس می گوید: من صرفاً با حفظ ایمان به حقیقت، به مبارزه خوب پرداخته ام. - پس در نهایت نمی شد پیروزی را از او گرفت

عیسی زنده است و همیشه در کنار شماست